

جلسه ۲۵۳
صورت مشروح يوم شنبه
هفدهم حمل ۱۳۰۲ مطابق
۲۰ شعبان ۱۳۴۱ مجلس
دو ساعت و ربع قبل از
ظهور برباست آقای مؤتمن
الملک تشکیل گردید

صورت جلسه يوم شنبه ۱۰ حمل را آقای امیر ناصر قرائت نمودند
 رئیس - آقای دستغیب (اجازه)
 دست غیب - بنده را جزء غائبین بدون اجازه خواندند در صورتیکه بنده اجازه خواسته بودم و کار هم داشتیم و برای استجازه هم عرض کرده بودم
 رئیس - گویا کمیسیون اجازه نداده است

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - چون کمیسیون دوره اش منقضی شده بود لذا حق نداشت تشکیل شود و اجازه بدهد و چون سابقه هم نداشتیم بنده احتیاط کردم که اعضاء را جمع نموده و کمیسیون را تشکیل دهیم مبادا بعد بگویند بر خلاف قانون بوده است البته کمیسیون بعد که تشکیل شد اجازه خواهد داد
 رئیس - امروز کمیسیون تشکیل میشود و در اجازه نامهها امان نظر خواهد نمود هر کدام را باید اجازه بدهد خواهد داد
 آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای آقا سید یعقوب - بنده میخواستم تقاضا کنم شرحی به هیئت دولت نوشته شود در اجاع بصفت خباز چون موقعی که بنده در کمیسیون عریض بودم مدتها فشار آوردند و چندین عریضه بکمیسیون فرستاده اند و شرح حال خودشان را نوشته اند و بر سبیل اجمال عرض میکنم نوشته بودند که در دکانی ۵ تومان ضرر دارند و از طرف کمیسیون عریض به هیئت دولت شرحی نوشته شد ولی جواب ندادند باین جهت برای استحضار خاطر آقایان در مجلس عرض کردم کتباً هم عرض می کنم بوزارت مالیه تذکر داده شود که برای جواب بنده حاضر شوند
 رئیس - خوب بود سؤالتان را کتباً میدادید به بالفعل بایستی شعبه ها معین شوند شش شعبه است هر کدام ۱۵ نفر عضو دارند

(آقای منتصر الملک استقرا ع نموده نتیجه بترتیب ذیل حاصل شد)
 شعبه اول - آقایان : آصف الممالک ارباب کیخسرو - میرزا سید حسن کاشانی داور - سردار فاخر - سالار معظم - حاج امین التجار اصفهانی - قوام الدوله آقا شیخ محمد حسین سعادت - شیخ الاسلام ملایری آقا میرزا محمد حسین صدرائی - بیان الدوله

صمیم الملطنه - فتح الدوله - حاج میرزا مرتضی
 شعبه دوم - آقایان: وکیل الملک - دکتر لقمان - قوام السلطنه - مصباح دیوان آقا شیخ ابراهیم زنجانی - شاهزاده سلیمان میرزا - غضنفر خان - آقا شیخ محمد کرمی سردار معظم - شیخ الاسلام اصفهانی - احتشام الدوله - حائری زاده - آقا سید محمد باقر دستغیب - حاج شیخ اسدالله - نصیر دیوان

شعبه سوم - آقایان: امیر ناصر - سدید الملک - جلیل الملک - سردار جنگ - مدرس آقا سید فاضل - پور رضا - منتصر الملک سید اراظم - آقا سید محمد تقی طباطبائی کازرونی - سهام السلطان - محمد هاشم میرزا سردار معظم کردستانی - آقا میرزا محمد صادق طباطبائی

شعبه چهارم - آقایان : حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - آقای میرزا هاشم آشتیانی معظم التجار - رکن الملک - عمید الملک - رفعت الدوله - آقا سید محمد تدین آقا میرزا ابراهیم قمی - میرزا یانس - آقا میرزا محمد نجات - نصرت الدوله - آقا میرزا سید حسن خان بلوچ - شیخ العراقرین زاده حاج میرزا اسدالله خان - محمدولی میرزا

شعبه پنجم - آقایان: حاج سیدالمحققین لسان الملک - آقا میرزا طاهر تنگابنی - حاج میرزا تقی خان نائینی - آقا سید محمد رضا مساوات - سردار مخم - میرزا محمد خان دانش - حاج میرزا عبدالوهاب - بیان الملک مستشار السلطنه - شریعتمدار کرمانی - امین الشریعه - آقا سید کاظم یزدی - صدر الاسلام آقا میرزا ابراهیم خان ملک آرائی

شعبه ششم - آقایان: ناظم الدوله - مؤتمن الملک - عماد الملک - معظم السلطنه - ناظم العلماء ملایری - حاج نصیر السلطنه - سلطان العلماء - فیوضات - آقا میرزا شهاب الدین عدل السلطنه - ملک الشعراء - رئیس التجار سردار اقبال - اقبال السلطان - آقا سید یعقوب

رئیس - در موقع تنفس شعبه ها باید تشکیل شوند و کمیسیون مبتکرات و کمیسیون عریض را تشکیل دهند - دستور برای امروز معین نشده است
 آقای تدین - تدین - لایحه شورای دولتی در چندی قبل هم جزء دستور بود ولی مطرح نشد بنده پیشنهاد میکنم اگر آقایان موافق باشند جزء دستور امروز شود

رئیس - آقای سدید الملک (اجازه)
 سدید الملک - لایحه مختصری است از کمیسیون بودجه هم گذشته راجع بسیم کشی از سور مق الی ابرقو تقاضا میکنم جزء دستور شود
 رئیس - راپرت این مسئله هنوز از کمیسیون فوائد عامه نرسیده است
 آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - راجع بمسئله که آقای سدید الملک فرمودند خواستم عرض کنم که کمیسیون فوائد عامه رأی خودش را داده است حالا نمیدانم راپرت داده شده است یا نه

شیخ رئیس مخبر کمیسیون فوائد عامه - در آخرین دقیقه که کمیسیون میخواست جلسه را خاتمه دهد رأی داده شد ولی راپرت آن تقدیم هیئت رئیسه نشد
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده بدون فلسفه تقاضا میکنم لایحه کوگرد که هفت ماده آن گذشته و پنج ماده آن باقی مانده است جزء دستور گذارده شود
 رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده عقیده دارم در صورتیکه پیشنهاد راجع بصد هزار تومان برای مخارج خرابیهای آذربایجان از کمیسیون گذشته است بنده آنرا بر تمام این پیشنهادها مقدم میدانم نمیدانم کمیسیون بودجه در این چند روزه تشکیل شده و نظریات خودش را در این خصوص معین کرده است یا نه در صورتیکه نظریات کمیسیون معلوم شده باشد بنده آنرا مقدم بر سایر پیشنهادها میدانم
 رئیس - راپرت آن هنوز حاضر نشده است
 آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - همانطور که آقای آقا سید یعقوب اظهار داشته بنده هم خواستم تقاضا کنم لایحه کوگرد و نمک چون غالب موادش گذشته و دو ماده آن بیشتر باقی مانده جزء دستور شود
 رئیس - آقای محمدولی میرزا (اجازه)

محمدولی میرزا - بنده خواستم تذکر بدهم قانون استخدام قضاة علیه مدتی است بمجلس آمده و مخصوصاً خیلی جدیت شد که قبل از حمل بگذرد ولی همینطور ماند تقاضا میکنم اگر ممکن است حالا جزء دستور شود
 رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - لایحه ورثه مشار دیوان بنا بود قبل از عید مطرح شود ولی مطرح نشد تقاضا میکنم آن لایحه جزء دستور امروز شود زیرا ورثه آن زیاد مستأصل و پریشانند
 رئیس - رأی میکنیم بر پیشنهادها به ترتیبی که مذاکره شده اولاً لایحه شورای مملکتی - آقایانیکه تصویب میکنند جزء دستور امروز شود قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد لایحه شورای دولتی از ماده ۳۳ مطرح است (شرح ذیل قرائت شد)

نماینده وزیر که مطابق ماده قبل معین میشود سمت نمایندگی از طرف دولت را نیز دارا خواهد بود
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

میشود سمت نمایندگی از طرف دولت را نیز دارا خواهد بود
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در خارج هم نوشته بودم در تمام این مواد نظر داشتم ولی چون یاد داشتم همراهم نیست همینقدر از آقای مخبر توضیح میخواهم که معاون جای وزیر میشوند و همان سمت را دارند معنیاش چیست؟ مسائلی که راجع بوزیر هست راجع باو هم هست دیگر اینکه نوشته شود نماینده وزیر از طرف وزیر معین میشود و ذکر آن از روی ندارد (بکنفر از نمایندگان فاده که قرائت شد ماده ۳۳ پیشنهادی کمیسیون نبود)

رئیس - صبح است ماده ۳۳ پیش نهادی دولت راقرائت نمودند (ماده ۳۳ پیشنهادی کمیسیون شرح ذیل قرائت شد)

در صورتیکه وزراء و یا ادارات زیدخل بشکایات متظلمین در تصمیمات اداری که موجب تضییع حق آنها شده باشد رسیدگی نکند و یا در ظرف و یا در ظرف چهار ماه از تاریخ تظلم و به محکمه مربوطه هم ارجاع ننماید مشارالیه میتواند مستقیماً بشورای دولتی تظلم کنند و همچنین اگر پس از رسیدگی در محاکم اداری یا خود ادارات یا خود ادارات مربوطه حکمی صادر و یا تصمیمی اتخاذ شد که متظلمین را قانع نسازد مشارالیه می توانند بر طبق قوانین و یا نظامات مقرر استینافاً و یا تمیزاً بشورای دولتی تظلم نمایند

رئیس آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - آقایان مستحضرنند که بنده با شورای دولتی مخالف بوده و هستم و چون مخالف هشتم یک مرتبه هم عرض کردم که مخالفت خودم را در تمام مواد آن اظهار میدارم شاید انشاءالله مجلس هم موافقت کرده دیگر این مسئله بر ملت تحمیل نشود در واقع این ماده باعث تضییع حقوق متظلمین است زیرا متظلم مطابق قانون باید تظلمش را بمحلی که برای تظلم است اظهار نماید و جائی که مرجع تظلم و صلاحیت دارد باید رسیدگی کند بتظلم متظلم ما اگر در قانون بنویسیم تا چهار ماه ما اگر بتظلم متظلم گوش ندادند برود بجای دیگر باعث تضییع حق متظلم میشود که در واقع این ترتیب فرجه و مندوحه میشود برای محکمه که مرجع تظلم است زیرا محکمه ممکن است بهمین ماده مستمسک شود و بگوید بمداز چهار ماه برو بجای دیگر و مفهوم این ماده این است که بمحکمه مرجع تظلم است چهار ماه فرجه داده شده است که در این چهار ماه بتظلم متظلم گوش ندهد و

بعد از چهار ماه بیچاره متظلم برود جای دیگر بنده عرض میکنم هیچ قانونی از هیچ کجانی گذرد که یک چنین فرجه در آن قید شود این اولاً ثانیاً خاطر آقایان مستعضر است اگر در عدلیه تشریف برده باشند دیده اند که محکمه ابتدائی پس از آنکه بشکایات رسیدگی میکند صریحاً برخلاف قانون حکم میدهد بدبخت بدبخت متظلم فریاد میزدند که این حکم برخلاف قانون است میگویند برود استیناف و در حقیقت استیناف و تمیز در عدلیه برای طرفه گاه قضاة است که اگر برخلاف قانون حکم دادند بگویند برود استیناف یا تمیز در صورتیکه وقتی محکمه تمیز دوسه مرتبه حکم محکمه ابتدائی را نقض کرد ما باید سعی کنیم که آن محکمه ابتدائی منحل شود زیرا از دو حال خارج نیست آن قاضی که آن حکم را داده است یا برخلاف قانون بوده و یا ندانسته و آن حکم را داده و در هر دو صورت آن قاضی لیاقت قضاوت ندارد و این معایب برای این است که قوانین ما هنوز کامل نیست و قانونی را که ما وضع کرده ایم بواسطه آن قانون تناقض کرده ایم یعنی از نقض به نقض رفته ایم نه به کمال و در حقیقت سیر قهقرائی کرده ایم از چاه در آمده بچاله افتاده ایم ممکن است آقای ندین در جواب بنده بفرمایند اگر بشکایات متظلم رسیدگی نشد تکلیف او چیست ؟ ولی بنده هم جواب دادم عرض بکنم ممکن است اگر قاضی محکمه به تظلم متظلم رسیدگی نکرد باه استیناف یا تمیز شکایات کنند عنوان شورای دولتی غیر از محاکم قضائیه است چرا باید قوارا بایکدیگر مخلوط کنیم تا قوا و ادارات و تکالیف هر قوه متمایز نباشد ما نمیتوانیم به آن سعاداتی که در نظر داریم برسیم طریق استکمال و مشی کامل اینطور نیست چه معنی دارد که شورای دولتی داخل در قضاوت بشود این را عرض کردم حالا نگاه کنید بماده اینطور میگوید (ماده ۲۳) در صورتی که وزراء و یا ادارات ذی دخل بشکایات متظلمین در تصمیمات اداری که موجب تضییع حق آنها شده باشد رسیدگی نکنند این همان عرضی است که کردم در ماده قانونیکه از مجلس میگردد اجازه داده می شود بمعناکم یا مرجع تظلم که رسیدگی نکند . ولو اینکه صریحاً هم نیست ولی اجازه ضمنی داده ایم یعنی مفهوم حقیقی این ماده اینست که ما اجازه ضمنی داده ایم بیک کسی که مرجع تظلم است که گوش بشکایات مردم ندهد ما نمی توانیم این اجازه را بدیم و لو اینکه او عمل نکند اگر چه بموجب قانون دیگری مسئولیت پیدا خواهد کرد اما به عقیده بنده در قانون اجازه معصیت نباید داده شود و نباید چنین قانونی وضع شود در قوانین الهیه اگر نگاه کنید هیچ جا اجازه معصیت نداده است و هر چه هست مجازات و عذاب است این است که بنده با این ماده

مخالفم (همه بین نمایندگان) توجه بفرمائید و حمله نفرمائید به من بنده کار ندارم که هر کس يك معنائی در ذهن برایش تولید شده است بنده عرض میکنم این جا اجازه عدم رسیدگی به تظلم متظلم میباشد چنین چیزی در قانون نباید ذکر شود در صورتیکه اینجا نوشته (در صورتیکه وزراء و یا ادارات ذی دخل بشکایات متظلمین در تصمیمات اداری که موجب تضییع حق آنها شده باشد رسیدگی نکنند) این خودش اجازه ضمنی است و رسیدگی نکنند بدهم وقت برایش معین کرده اند (و یا در ظرف ۴ ماه از تاریخ تظلم تصمیم اداری در این باب اتخاذ نکرده) محکمه که موظف است و حقوق میگیرد چطور میتواند تا ۴ ماه تصمیم اتخاذ نکند خود این عبارت اجازه است که در قانون ذکر کرده و ما نمیتوانیم وزیر را مسئول قرار بدهیم برای این که ما آنقدر وسعت و اجازات قانونی باو داده ایم که هر وقت ما از فلان وزیر سؤال میکنیم او را تعقیب میکنیم هزار ماده قانون برای ما میخواند در صورتیکه هیچ برای کار کردن حاضر نشده است زیرا کار خیلی سخت است چندین کار مشکلی ندارند آن وقت هزار ماده قانون را جلوی ما میریزند که ماراه فرار نداریم با اینکه چندین کاری نداریم یعنی از حیث سیاست داخلی که حال مملکت خوب است و از حیث سیاست خارجی هم بعمدالله امنیت هست و این وسعت قانونی عادت به تظلمی دادن است والا محکمه و مرجع تظلم چه حق دارد که در ظرف ۴ ماه رسیدگی و دخالت نکنند و این از مواردی است که اجازه ضمنی داده شده است که تا این مدت به شکایات متظلمین رسیدگی نکنند مثلاً بیچاره و بدبخت هائیکه از سرحدات آمده اند و از رئیس مالی شکایت دارند در مرکز تا ۴ ماه بگردند بعد از این مدت ایرادی هم ندارد زیرا بموجب این هجرت ماده (و یا در ظرف ۴ ماه از تاریخ تظلم تصمیم اداری در این باب اتخاذ نکرده و به محاکم مربوطه هم ارجاع ننمایند و به این دلیل میل نداشته و مثلاً وزیر سیگار میکشیده است و وقت نکرده یکی دیگر آنکه مثلاً حکم میکنند به يك محکمه که فلان محاکمه را توقیف کن یا فلان شخص را تبعید کن چنانکه در زمان ما هم واقع شد و همه دیدند و یکدفعه هم در این مجلس کسی این سؤال را نکرده که چرا اینطور کرده است ؟

بنده اقلیت مخالفم بر خلاف آقای مدرس و نیز اقلیت شدیداً مخالفم و بعد در جمله دیگر میگوید (و به محکمه مربوطه هم ارجاع نمایند) اینجا هم باز اجازه داده شده است که مدتی مهلت داده است که نسبت به حقوق آن متظلم رسیدگی نشود و حقوق آن بیچاره مدتی در بونه اجمال بماند باز در عبارت دیگر (گرچه عرض کردم

که آقای تدین به بنده حمله خواهند کرد) مینویسد (مشارالیهم میتوانند مستقیماً به شورای دولتی تظلم کنند) عرضی که میخواستم بکنم همین جا است همین خودش در واقع فرجه و کمک است به آن مرجع تظلمی که باین تظلم متظلم رسیدگی نکرده مثل اینکه عرض کردم که ابتداء به آن شخص متظلم میگوید برو استیناف این بیچاره دیگر نمی داند که خلاف قانون کرده و حقوق او را تضییع کرده خیال میکند دولت علاقه مند با استیناف است و از این جهت او را با استیناف اعاده کرده است یا اینکه مثلاً میگوید بمن مربوط نیست شورای دولتی بساز است برو آنجا همین فرجه قرار دادن است و با اصطلاح علماء مدوحوه و طرفه گاهی برای او قرار دادن است و بالاخره همین اجازه ضمنی دادن است باین که رسیدگی به شکایات متظلم نشود این وضعیت متظلمین است که برای تظلم از ولایات بمرکز آمده اند این هم این مسئله حالا عبارت دیگر (و هم چنین اگر پس از رسیدگی در محاکم اداری یا ادارات مربوطه حکمی صادر و یا تصمیمی اتخاذ نشود که متظلمین را قانع نسازد مشارالیهم میتوانند) اینجا هم خودتان تصدیق می فرمائید که (متظلمین را قانع نسازد یعنی چه ؟ هر وقت دوفتری که رفتند در عدلیه لابد یکی از آنها ناراضی بیرون می آید بر فرض هم که عدلیه تشکیل شود که بیغیر خدمتقن آن و علی مرتضی علیهما السلام اجرا کننده آن باشد باز هم یکی از متظلمین ناراضی است و لو اینکه مطابق قانون هم محکوم شده باشد قانع نخواهد شد و در اینجا مایک حقیقی بی جهت به شورای دولتی می دهم که اگر متظلم راضی نشد مطلقاً باید شورای دولتی به تظلم او رسیدگی کند - در صورتیکه شاید در محکمه مزبور مطابق قانون رسیدگی شده باشد دیگر مردم را معطل کردن یعنی چه ؟ بعد از اینکه این محاکم را طی کرده و زحمت کشیده - حالیکه جای دیگر برایش معین کنیم که برود شورای دولتی جهت ندارد و آن قدر این بیچاره را معطل کنیم که از این میز برو آن میز - و این خانه او را خراب کردن است بواسطه همین طول دادن و رسیدگی نکردن - در جای دیگر میگوید (مشارالیهم میتوانند بر طبق قوانین یا نظامات مقرر) این ها عبارات خوبی هست ولی هیچ معنی ندارد و تا به حال در هیچ قانونی این طور عبارات نوشته نشده مگر در دوره نادری و انشاآت میرزا احمد خان و بنده معنائش را هیچ ملتفت نمیشوم قانون باید صریح و واضح نوشته شود نه اینکه می نویسد (نظامات مقرر) بدهم يك شرحی مینویسد که (استینافاً یا تمیزاً بشورای دولتی تظلم نماید این بود عرایض بنده .

رئیس - حاج شیخ اسدالله (اجازه)
 حاج شیخ اسدالله - بنده هم يك عرایض دارم ولی نه به این مفصلی . .
 رئیس - مخالفید ؟
 حاج شیخ اسدالله - بلی
 رئیس - آقای دست غیب (اجازه)
 دست غیب - مخالفم
 رئیس - آقای سدیدالملک موافقید
 سدیدالملک - آقای آقا سید یعقوب در اور اظهار کردند که من بشورای دولتی مخالفم ولی از فرمایشاتشان بنده اینطور استنباط نکردم فقط دیدم با چندین قسمت از عبارات مخالف بودند - عرض میکنم این که میفرمائید چهار ماه که معین شده زیاد است . پیشنهاد کنید يك ماه یا دو ماه معین شود - و این قدر هم موقع را زیاد دست ندهید . به علاوه این که فرمودند متظلم چطور قانع می شود البته خود قانون متظلم را قانع می کند وقتی که محاکمه شد ، در مقابل قانون اگر معلوم شد که برخلاف قانون رفتار کرده محکوم است و هیچ چیز هم نمیتواند بگوید اما اینکه فرمودند نظامات مقرر چیست البته باید بدانند که هر اداره يك نظامنامه هائی دارد و در اینجا هم نوشته شده (مطابق قوانین و نظامات مقرر) یعنی نظامنامه هائی که در ادارات برای کارها معین شده که از آن رو یا محکوم میشوند یا نمیشوند این است که بنده موافقم.
 رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)
 شیخ الاسلام - بنده چون دوسه جمله از این ماده را نفهمیدم این است که بعضی عرایض دارم که عرض میکنم شاید آقای مخبر بنده را قانع بفرمایند در جمله اول نوشته شده (پس از رسیدگی در محاکم اداری و یا خود ادارات مربوطه) قانون استخدام يك محکمه اداری قائل شده است و البته آن محکمه هم يك رسیدگی هائی خواهد کرد ولی دیگر معنی و کیفیت رسیدگی در خود ادارات مربوطه را بنده نفهمیدم چیست و نمیدانم چگونه در خود ادارات مربوطه رسیدگی میشود این مطلب را بنده نفهمیده و تصور میکنم جمله زایدی است مطلب دوم نوشته شده (استینافاً و تمیزاً) یعنی يك مرتبه استینافاً رسیدگی میشود و يك مرتبه هم تمیزاً آیا این رسیدگی استینافی و تمیزی میل خود شورای دولتی است یا بمیل مدعی .
 بعلاوه مطابق قانون اساسی ما پیش تر از يك دیوان عالی تمیز در تمام مملکت ایران قائل نشده ایم و او هم در عدلیه است لذا بمعناکم دیگر نمی توان اطلاق دیوان تمیز کرد .

در اینصورت بنده معنی این جمله را هم نفهمیدم. جمله دیگر همان جمله بود که آقای آقا سید یعقوب فرمودند و آن راجع بقوانین و نظامات مقرره کدامستند عبارت باید واضح نوشته شود و مفهوم باشد و چون این سه جمله را بنده نفهمیدم خوب است آقای مخبر توضیح بدهند تا درست معلوم شود.

مخبر- اولاً راجع باظهار آقای شیخ الاسلام که فرمودند از لفظ استیفاء و تمیزاً معلوم نیست اختیار رسیدگی بطور استیفاء و تمیزی یا شورای دولتی است یا اینکه باختیار مدعی است که هر طور بخواهد عرض حال بدهد.

اگر در عبارت دقت بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که این حق مدعی هست یعنی مال متظلمی است که مطابق یکی از فرضها قانع نشد این حق را هم دارا باشد و اینکه در عبارت هم نوشته شد مشارالیه می تواند بر طبق قوانین و یا نظامات استیفاء و تمیزاً شورای دولتی تظلم نمایند مقصود مشارالیه همان متظلمی است اما جمله دوم که فرمودید چرا بر طبق قوانین مقرره باشد و بطور دن خواه نباشد رسیدگی کرد.

غرض از این جمله این است اگر متظلمی قانع نشد میتواند بر طبق قوانین و یا نظامات مقرر (یعنی بطوریکه قانون معین کرده) تقاضای رسیدگی استیفاءی و تمیز بنماید ناچار یک قوانین و نظاماتی برای طرز ورود در محکمه و درجات و کیفیات معاکم معین شده مقصود این است متظلم میتواند به موجب این نظامات در صورتیکه قانون باو حق داده باشد تقاضای رسیدگی استیفاءی و تمیزی بنماید این همان نظامات اداری است که در قانون استخدام هم ذکر از آن شده است.

البته این نظامنامه ها راجع بحریان قانون داخلی هروزارتخانه است و باید یک مراکز مافوق صلاحیت داری هم آنها را تصدیق کرده باشد پس مقصود از نظامات مقرره نظامنامه ها نیست که مراجع ذی صلاحیت آنها را تصدیق کرده باشد اما راجع بآن قسمتی که فرمودید محتاج بذکر ادارات نیست و همان لفظ معاکم کافی است اینکه در اینجا لفظ ادارات قید شده برای این است که در یکجائی ممکن است یک محکمه بر طبق قانون تشکیل نشده باشد یا آنکه تظلم باندوجه مهم نباشد که قابل ارجاع بیک محکمه اداری باشد و مطلب طوری هست که خود اداره هم میتواند رسیدگی کند در این صورت برای اینکه موضوع تظلم از میان نرود و بتظلم متظلم رسیدگی شده باشد خود اداره رسیدگی میکند اگر متظلم راضی نباشد میتواند شورای دولتی مراجعه کند ولی در صورتیکه معاکم اداری تشکیل شده باشد هیچ محتاج نخواهد

بود که شورای دولتی رسیدگی کند. اما جواب آقای آقا سید یعقوب با آن طول و تفصیل نمیخواهم عرض کنم ولی مختصراً بطور اجمال لازم است عرض کنم اینکه شقوق عدیده در اینجا نوشته شده مقصود از ذکر این صور عدیده این بود که وسیله تسهیل برای متظلم فراهم آید که کاملاً رفع ظلم از او شده باشد.

ملاحظه بفرمائید در اینجا فروش اول و دوم و سوم و چهارم همه بر نفع متظلمین است و هیچ اجازه ضمنی هم داده نشده و در قسمت اول میگوید (در صورتیکه وزراء و یا ادارات ذی دخل بشکایات متظلمین در تصدیقات اداریکه موجب تضییع حق آنها شده باشد) (الی آخر) یکوقت است که معاکم رسیدگی نمیکند و بجز تظلم گوش نمیدهند در اینصورت متظلم مستقیماً بشورای دولتی میتواند مراجعه کند و این مسئله دیگر مدت سه چهار ماه هم نمیخواهد. یک دفعه است که محکمه حاضر برای استماع تظلم متظلم حاضر میشود ولی در عین حال باید تحقیقات لازمه نموده و بعد رسیدگی کند تا بتواند صعباً رأی خود را بدهد

البته در اینصورت تصدیق می فرمائید که مدتی برای تحقیقات لازم است و چون نمیتواند فوراً رأی بدهد و از آن طرف هم برای اینکه محکمه بدفع الوقت نگذارند باشد یک حدی قرارداده که منتهای آن چهار ماه است حالا اگر گفته شود چهار ماه و یا سه ماه زیاد است ممکن است مدت را کمتر قرارداد ولی در هر حال نمی شود هیچ مدت معین نکرد و بلا مدت باشد ولی در هر حال نمیشود گفت بعد از ۲۴ ساعت تظلم اگر محکمه رسیدگی نکرد به وظیفه خودش عمل نکرده است زیرا ممکن است که مطلب نوعی باشد که نتوان در ۲۴ بعقیقت آن رسیدگی نمود و وقت بیشتر برای رسیدگی لازم باشد و اگر مهلتی داده شود عکس مقصود حاصل است زیرا محکمه باید فرصت برای تحقیقات و رسیدگی کامل داشته باشد.

اما قسمت دیگر که فرمودند این عبارت (قانع نسازد) صحیح نیست بعقیده بنده خیلی صحیح است زیرا در معاکم عدلیه هم بعد از بدایت استیفاء و تمیزاً قائل شده اند و این برای این است که اگر متظلمی از حکم محکمه بدایت قانع نشد اعتراض داشت و بتواند در معاکم بالاتری تظلم نماید و اگر از حکم استیفاء هم قانع نشد میتواند تمیز که محکمه عالی تر است شکایت کند اما در هر حال حدی هم لازم است که از آن تجاوز نشود.

لذا در این قانون هم این مراحل پیش- بینی نشده برای اینکه اگر متظلم از حکم محکمه اداری قانع نشد مراجع دیگری بتواند اظهار شکایت نماید و نمیشود گفت هر چه را که محکمه اداری درباره متظلم رأی داد قاطع است. همه این مراتب برای امنیت که حق متظلم بیشتر محفوظ و مأمون شود.

(گفته شد مذاکرات کافی است) رئیس- چون عده کافی نیست تنفس داده میشود ولی قبلاً عرض میکنم در موقع تنفس باید شعب و کمیسیونها را انتخاب بفرمائید و چیزیکه خیلی لازم است تعیین کمیسیون خارجه است چون از طرف دولت رفته به بنده نوشته شده است و تقاضا شده کمیسیون خارجه زودتر تشکیل شود غرض اینست که کمیسیون خارجه باید مقدم بر سایر کمیسیونها باشد

عده نظار: آقایان فتح الدوله، ملک الشعراء، صدر الاسلام، میرزا محمد نجات، احتشام الدوله، ملک الشعراء بنده استعفا داده ام آقا میرزا محمد نجات - بنده هم استعفا می دهم فتح الدوله - خاضع مبارک مسبوقست که بنده کسالت دارم و چون لازم است معالجه کنم لذا استعفا میدهم شرحی هم حضور مبارک عرض کرده ام (جمعی از نمایندگان - استعفا سابقه ندارد) (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یکساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - نسبت بماده ۳۳ مذاکرات کفایت یا نه؟ آقایان یک مذاکرات کافی میدانند قیام فرمائید (اگر نمایندگان برخاستند) رئیس - مذاکرات کافی است و جلسه ختم میشود. جلسه آینده فردا خواستم از آقایان تقاضا کنم در طرف این دوماه و چند روزیکه با خوردن تقنینیه باقی مانده است چند فقره لایحیکه حاضر است جزء دستور گذارده شود و باید سعی کرد که در عرض این مدت همه از مجلس بگذرد.

حالا اسامی آنها بمرض آقایان میرسد هر کدام را می پسنند جزء دستور شود

- ۱- راپرت کمیسیون داخله راجع به قانون بلدی
- ۲- راپرت کمیسیون فوائد عامه راجع بقالی جوهری
- ۳- لایحه اعتبار جهت سیم کشی نقاط خراسان
- ۴- لایحه گوگرد و نمک جزا هر رمز
- ۵- لایحه اضافات نرخ پستی
- ۶- لایحه قانونی استخدام قضات
- ۷- لایحه معیزی و تعدیل مالیات
- ۸- لایحه اعطای امتیاز ساختن راه بندر جزبامان توسط علی قلیخان
- ۹- لایحه استخدام اداری مجلس شورای ملی

باید عرض کنم نظامنامه مجلس که بهیئت رئیسه مراجعه شده بود حاضر است جرح و تعدیل هم شده امروز از طبع بیرون می آید

آقای دست غیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر دستغیب - می- خواستم عرض کنم لایحه راجع بورنه مشار دیوان و سالار محتشم که جزء این لوابیح میشود خوبست جزء دستور شود

رئیس - آقای سردار فاخر (اجازه) سردار فاخر - عرض بنده هم همین بود رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا بنده استعفا دارم لایحه اعانه ازومه جزء دستور فردا گذارده شود در راپرت آن راهم امروز کمیسیون بودجه تقدیم خواهد کرد و چون باید بارقه اخذ رأی شود مستعفی است که جزء دستور فردا معین شود بلکه خاتمه یابد

رئیس - آقای قبال السلطان (اجازه) اقبال السلطان - جزء این لوابیحی که خوانده شده اسمی از لایحه امتیاز نفت نبود.

رئیس - هنوز راپرت آن از کمیسیون نرسیده است. آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده عرض داشتم.

رئیس - آقای آقا میرزا محمد صادق طباطبائی (اجازه) آقای سید محمد صادق - عرایض بنده راجع بقانون معیزی بود که جزء اینصورت چند روزیکه با خوردن تقنینیه باقی مانده است چند فقره لایحیکه حاضر است جزء دستور گذارده شود و باید سعی کرد که در عرض این مدت همه از مجلس بگذرد.

حالا اسامی آنها بمرض آقایان میرسد هر کدام را می پسنند جزء دستور شود

- ۱- راپرت کمیسیون داخله راجع به قانون بلدی
- ۲- راپرت کمیسیون فوائد عامه راجع بقالی جوهری
- ۳- لایحه اعتبار جهت سیم کشی نقاط خراسان
- ۴- لایحه گوگرد و نمک جزا هر رمز
- ۵- لایحه اضافات نرخ پستی
- ۶- لایحه قانونی استخدام قضات
- ۷- لایحه معیزی و تعدیل مالیات
- ۸- لایحه اعطای امتیاز ساختن راه بندر جزبامان توسط علی قلیخان
- ۹- لایحه استخدام اداری مجلس شورای ملی

باید عرض کنم نظامنامه مجلس که بهیئت رئیسه مراجعه شده بود حاضر است جرح و تعدیل هم شده امروز از طبع بیرون می آید

آقای دست غیب (اجازه)

لایحه آن مجلس بیاید و بایستی در مجلس روزی مطرح شود و بجوامع در این باب خاطر آقایان را تذکر بدهم که بطور انفرادی یا انجمنی ما هر طور که صلاح بدانند خاطر معتمد اولیای دولت را متوجه کنند باینستکه مجلس در این امر خیلی ازوم دارد لیکن ۳ چهار فقره مسائلی است که خیلی طرف توجه آقایان نمایندگان بود و بدون این که دولت در آنها نظری نموده در خارج مذاکراتی بعمل آورده و تصمیمی اتخاذ و نظریات خود رایان کند قابل تمام شدن نیست و بایستی دولت این ۳ چهار قسمت مهم این قانون را در خارج تحت نظر شور آورده و تصمیمی اتخاذ کند تا در کمیسیون نسبت بان هارای قضایی اتخاذ شود و اگر از طرف دولت در این باب تجلیل شود میتوان عرض کنیم که تا چند روز دیگر کمیسیون موفق خواهد شد که راپرت بین الشوریین خود را تهیه و تقدیم مجلس نماید

رئیس آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه) حاج اسدالله - بنده میخواستم عرض کنم که قانون استخدام قضات بر کشت به کمیسیون و بنامشدر کمیسیون با حضور مستشار ماله مجدداً مطرح شود و نمایانم بالاخره چه شده. (گفته شد تمام شده و بطبع رفته است) قانون شورای دولتی هم که فعلاً مطرح است لیکن چون قانون استخدام قضات در تدوین و تکمیل بودجهها خیلی موثر است بنده تقاضا میکنم جزء دستور فردا گذاشته شود و بر لایحه شورای دولتی مقدم باشد اگر چه شورای دولتی هم خیلی لازم است لکن هنوز تاسیس نشده است و بعد باید تشکیل شود ولی قانون استخدام قضات یکی از نواقص است و در تکمیل بودجهها خیلی موثر است بنا بر این بنده پیشنهاد میکنم که فردا جزء دستور گذاشته شود.

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه) شیخ الاسلام اصفهانی - بنده از فرمایش آقای رئیس محترم مجلس اینطور درک کردم که منظور ایشان فقط دستور فردا نبود بلکه بطور کلی می فرمودند که این دو ماه آزادی که مانده است بین این قانونها و لوابیح تقسیم شود در این دو ماه و کسری در تحت شور گذارده شود ولی بعضی آقایان در دستور فردا مذاکره کردند.

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه) شیخ الاسلام اصفهانی - بنده از فرمایش آقای رئیس محترم مجلس اینطور درک کردم که منظور ایشان فقط دستور فردا نبود بلکه بطور کلی می فرمودند که این دو ماه آزادی که مانده است بین این قانونها و لوابیح تقسیم شود در این دو ماه و کسری در تحت شور گذارده شود ولی بعضی آقایان در دستور فردا مذاکره کردند.

اگر چنین باشد که بنده فهمیده ام تصور نمیکند که بتوان معین کرد چه قانونی در این مدت مورد شور قرار گیرد. ما باید یک اصل کلی را در نظر بگیریم و در سایه آن اصل هر قانونی را که الزمست تحت شور آوریم و آن اینست که می بینیم چرخ های دولت و مملکت به کدام یک از این قوانین محتاجتر است بهر کدام که بیشتر احتیاج دارد آن را باید تحت شور قرار

داده مثل قانون مستخدمین عدلیه و بنده خیلی متاسفم که در این لفظ قضات در مجلس از بین رفت و هنوز بعضی از رفقا میفرمایند قانون استخدام قضات این قانون مستخدمین عدلیه چرخهای کار دولت را معطل کرده و دولت نمی تواند بودجه خود را بنویسد بنا بر این باید این قانون بزودی بگذرد یکی هم قانون نفت است که حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله اشاره فرمودند که تا یک هفته دیگر از کمیسیون میگذرد و جزء دستور میشود البته وقتیکه رسید باید تحت شور برود و بنده در شور اول این قانون پیشنهادی کردم که پیشنهاد کنندگان را در موقع شور این لایحه در کمیسیون بخواهند تا توضیحات خودشان را بدهند و بنده خیلی متاسفم که حالا میفرمایند چند جلسه تشکیل شده است در صورتیکه بهیچیک از پیشنهاد کنندگان اطلاعی ندارند که حاضر شده توضیحات بدهند و در آن پیشنهادها یک مسائل خیلی مهم نوشته شده بود که راجع بمراد این قانون بود مثل مدت و سهم دولت اینها خیلی مذاکره لازم دارد و باید رجوع بافکار تمام نمایندگان بشود.

یک چیز دیگری که تا قبل از عید بنده تصور میکردم این بود که گمان میکردم مشتری اینکار در زیر آسمان منحصر بر این دو کمیانی است ولی ترسیدم آخر هم دو لفظ باشند در تحت یک معنی ولی در این ایام عید یک شخص متمندی بمن اطلاع داد که در طهران نماینده یک کمیانی هست که حاضر است سهم دولت را صدی ۳۰ الی ۴۰ بپردازد و با بعضی از مابوی عالییه سابقاً مذاکره کرده و محل اعتبار واقع نشده است.

بنده بان شخص گفتم خوبست شما اطلاعات خودتان را در جراند بنویسید و بمجلس اطلاع بدهید گفت میترسم بالاخره قانع شد که من از رئیس دولت وقت خواسته او را ببرم حضور ایشان که اطلاعات خود بر رئیس دولت عرض نمایم.

این است که باز از راه علاقه مندی که تمام اهل مملکت باین مسئله حیاتی و مهمی دارند که هم سیاستاً و هم اقتصاداً یک مسئله حیاتی و مهمی است عرض می کنم که باید بر آن خیلی اهمیت داد و اینکه شاهزاده نصرت الدوله فرمودند یک هفته دیگر راپورت آنرا بمجلس می آوریم و میگذرد به نظر من خوب حرفی نیست

رئیس - آقای شیخ رئیس (اجازه) شیخ رئیس - بنده چون عضو کمیسیون نطق هستم خواستم در جواب آقای شیخ - الاسلام عرض کنم که پیشنهاد کنیده کس هست باید بدولت پیشنهاد کند و اگر دولت موافق صلاح مملکت بداند باید مجلس پیشنهاد کند و اینکه آقای شیخ الاسلام فرمودند در خارج یک نفر هست و میترسد

بیشنهاد خود را اظهار کند هیچ مناسبت ندارد وزیر فوائد عامه هم هر روز به کمیسیون میاید و هیچ هم چومذاکره نکرده اند البته هر کس پیشنهادی دارد باید بدولت مراجعه کرده و دولت هم در صورتیکه صلاح بداند بمجلس پیشنهاد خواهد کرد و در کمیسیون هم خواهد گفت اما راجع به پیشنهاد خودشان که فرمودند این مطلب راجع به بنده و شاهزاده نصرت الدوله نیست زیرا اگر پیشنهاد قابل ملاحظه باشد پیشنهاد کننده در کمیسیون حاضر خواهد شد و توضیح خواهد داد اما در موضوع قوانین که خوانده شد بنده قانون معیزی را خیلی لازم تر میدانم زیرا در مملکت ما بعضی از نقاط است که ۵۰ سال ۷۰ سال ۱۰۰ سال است معیزی نشده و بوائمی بر خورد و چند خرابیها و ظلمها و تعدیها شده است بنا بر این قانون معیزی باید بزودی در مجلس بگذرد در ۱۷ سال قبل یعنی در سنه ۱۳۲۵ در این مجلس تصویب کردند که تمام عوائد معیزی شود و هفده سال است مردم معطل و سرگردانند و چون ممکن است این قانون در دو سه جلسه بگذرد بنا بر این عقیده بنده این است که آن را جزء دستور بگذاریم تا بزودی تصویب شود.

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده توضیح دارم رئیس - بفرمائید بشرط اینکه مختصر باشد.

شیخ الاسلام - حضرت والا شیخ رئیس عرایض بنده را مختلط کردند بنده عرض نکردم پیشنهاد کننده برود خدمت آقای شیخ رئیس که ایشان فرمودند باید نزد دولت برود اگر پیشنهاد کننده میخواست خدمت ایشان برود منزل ایشان را بلند بود بنده عرض کردم پیشنهاد هائی که نمایندگان داده اند باید پیشنهاد کنندگان در کمیسیون احضار شوند و توضیحات خود را بدهند.

رئیس - عجالتاً بهتر اینست که دستور فردا را معین کنیم تا اینصورت طبع شود و یک قراری در آن داده شود. دستور فردا اولاً لایحه استخدام قضات ثانیاً - راپورت کمیسیون بودجه راجع بورنه مشار دیوان.

رئیس - لایحه معیزی امروز به هیئت رئیسه رسیده باید طبع و توزیع شود. آقای سهام السلطان (اجازه) سهام السلطان - عرضی ندارم رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه) رفعت الدوله - مقصود بنده راجع بلایحه معیزی بود که جزو دستور شود.

رئیس - آقای میر سید حسن کاشانی (اجازه) آقای میر سید حسن کاشانی - بنده پیش- نهادی کرده بودم که از کمیسیون مبتکران بر کشته و قابل توجه شد طبع و توزیع هم شده است استعفا دارم جزو دستور فردا قرار داده شود.

رئیس - چون مختصر مذاکراتی دارد ممکن است جزو دستور فردا معین شود آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه) حاج میرزا عبدالوهاب - عرضی ندارم

رئیس - آقای مدرس عرایض بنده همان بود که شاهزاده گفتند دیگر عرضی ندارم رئیس - آقای آصف الممالک

آصف الممالک - بنده میخواستم تذکر بدهم که لایحه قانونی بلدی را پس گرفتند برای اینکه مستشار که می آید با او هم مذاکراتی شده و در مجلس مطرح شود و در ثانی بمجلس پیشنهاد نشده است بنا بر این باید مجدداً از طرف دولت بمجلس پیشنهاد شود تا در مجلس تحت شور واقع گردد

رئیس - آقای گروس (اجازه) گروس - هر چند باین مطلب خاتمه داده شد که مهمات از آن قوانینی که خوانده شد کدام است لیکن محض تذکر آقایان عرض میکنم که نمیشود این مسئله را به نظریات اشخاص معین نمود برای اینکه به نظر هر کس یک قانونی مهم است و برای قطع و فصل این مسئله بهتر اینست همین قوانین مرتباً آنچه که الایم فلاهم است نوشته شود و بعد از آنکه نوشته شد فقره بفقرد رأی گرفته شود

رئیس - آقای مساوات مساوات عرضی ندارم رئیس - آقای سردار فاخر (عرضی ندارم) رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در اول حوت سئوالی از آقای مستوفی الممالک کرده ام و هنوز برای جواب حاضر نشده اند بنا بر این از مقام ریاست استعفا میکنم امر فرمایند که وزراء برای جواب سئوال نمایندگان حاضر شوند.

رئیس - تذکر داده میشود (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس موتمن الملک